

تصوف در ایران

از : دکتر مسعود همایونی

نهضت تصوف در عهد زندیه

صفویه در اوایل مسلك عرفان سلسله خود را در ایران رواج میداد ولی با سلسله های دیگر عرفان میانه خوبی نداشتند و آثار گذشتگان را از قبیل طریقت و نام و رسوم و غیره محو میکردند و لطمه میزدند چنانچه در اواخر زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین قشریان بر عارفان شوریدند و کتابها در نکوهش آنان نوشتند چنانچه ملا صدق اردستانی را که از عرفا بود بحکم شاه و قوای قشریان شب زمستان از شهر اصفهان بازن و بچهای کوچک بیرون کردند که آنها از سرما تلف شدند. و حتی معروفست که شاه سلطان حسین حکم کرده بود که کسی لفظ «هو» نگوید حتی کاهو و یا هورا بفتح و او بگویند تا شبیه بگفته درویشان نشود چون عرفا هورا اسم اعظم میدانند پس در زمان صفویه مخصوصا در اواخر آن سلسله عرفان تکفیر میشد.

از عرفای عهد صفویه کسی که محترم زیست شیخ بهائی بود که در ظاهر از سلسله نور بخشیه بود (چون بعضیها معتقدند شیخ بهائی مرید آذر کیوان بوده است) چون مادر شاه عباس از سلسله نور بخشیه بود شیخ بهائی سالم و محترم ماند و سایر عرفایا کشته شدند و یا بهند فرار کردند و هر کس در ایران طالب عرفان و درویشی میشد ناچار برفتن هند بود خلاصه هند همیشه خانه امید و پناهگاه ایرانیان بود.

چنانچه هنگام حمله تازیان وطن خواهان ایران گریخته و بهندپناه
بردند. و آنجا را وطن دوم خود اختیار کردند چنانچه تا کنون هم درهند مذهب
و آئین و اخلاق و لباس خودشان را حفظ کرده اند.

با آنکه سلطنت صفویه در اوایل بنام درویشی و زور درویشان بود همانکه
استقرار یافت برافناء همه درویشان کوشید چنانچه حکایت شاه طاهر سرسلسله
خواندیه که شاه اسمعیل قصد قتل او را داشت او هم ناچار بهند فرار کرده در تاریخ
معروف است.

تعجب در این است که صفویه علاوه بر آنکه مانع رواج عرفان در ایران
بودند با تحصیل حکمت نیز مخالف بودند چنانکه در وقف نامه های مدرسه های اصفهان
که صفویه ساخته اند نوشته شده که درس حکمت نباید خوانده شود و اگر طلاب
بخوانند دیگر حق مسکن در این مدرسه ندارند و باید اخراج شوند و ملا صدرا صاحب
اسفار که در عهد صفویه بود خیلی بسختی و ذلت زندگی تلخی میکرد و صدمات زیادی
از فقها و حکام و عوام دید ولی استادش میرداماد علت اینکه معزز بود برای آن بود که
داماد شاه عباس بود و نیز شیخ بهائی که فقیه آن عصر بود احترام واقعی از میرداماد
داشت و نگذاشت که علم حکمت سبب توهین وی شود و او را بر خود مقدم میداشت (۱)

رتال جامع علوم انسانی

۱ - در عهد صفویه سه نفر سید بنام میر معروف شدند اولی همین میرداماد صاحب
کتاب قبسات است که بعلم حکمت و غلظت کلمات معروف است و بعد از فوتش شهرت دادند که
نکیرین آمدند از او پرسیدند . من ربك او گفت اسطقس فوق الاسطقسات الاول نکرین از یکدیگر
معنی این سخن را پرسیدند هیچیک ندانست رفته بدرگاه حق تعالی عرض کردند بنده ای آمده
حرفی میزند که مانعی فهمیم حق تعالی فرمود او در دنیا هم از این کلمات غلیظ میگفت که نه
خود میفهمید نه دیگری او را رها کنید غرض باطلی ندارد دلش را خوش کرد. و قانع شده بهمین
کلمات میبندارد که بغلظت لفظ معنی هم غلیظ میشود دومی میر عماد قزوینی بود که بخوبی
خط نستعلیق مشهور شد و خط او را خط میر می نامند سومی میر ابوالقاسم فندرسکی صاحب
تکیه میر در تخته پولاد اصفهان که قبرش میان صحن آنجاست .

در دوره سلطنت نادر شاه و اولاد او چون ایران در آتش جنگ میسوخت از طریقت و عرفان در ایران خبری نبود و مردم مشغول جنگها و کشمکشهای داخلی و خارجی بودند تا اینکه در زمان کریمخان زند که ایران نسبتاً آرامشی یافت شاه علیرضا دکنی که متوطن حیدرآباد دکن بود و قطب سلسله نعمت اللهبیه بود یکی از خلفای خود را موسوم به میر عبدالحمید معصوم علیشاه برای احیای رسوم طریقت در سال ۱۱۹۰ با اختیارات تام بایران فرستاد و این تاریخ را میتوان تاریخ نهضت عرفانی در ایران نامید.

از اشخاص متعینی که پس از ورود معصوم علیشاه بایران با او گردیدند یکی میرزا عبدالحسین فرزند ملا محمد علی طبسی (امام جمعه طبس) و دیگری فرزندش میرزا محمد علی بود که از تون طبس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمده بود اولی یعنی پدر ملقب به فیض علیشاه گردید و دومی یعنی پسر ملقب به نور علیشاه شد و هر دو در کمترین مدتی اجازه ارشاد و دستگیری یافتند.

میرزا محمد تربتی توسط فیض علیشاه تلقین یافت و بعد ملقب به مشتاق علی شاه گردید که مظفر علیشاه کرمانی دیوانی بنام اوساخته و آنرا دیوان مشتاق نام نهاده بتقلید از مولای رومی که دیوان خود را بنام دیوان شمس معروف کرده است مشتاق علی در حادثه‌ای که در کرمان علیه فقرا بتحریک ملا عبداله نامی از وعاظ بوقوع پیوست در سال ۱۲۰۶ با اتفاق جعفر علی که یکی از فقرا بود بدرجه شهادت رسیدند - معصوم علیشاه ارشاد و تلقین فقرا را در حیات خود به نور علیشاه تفویض نمود.

معصوم علیشاه در ایران و هندوستان و عراق عرب با مریدان خود مسافرت های زیادی نموده و بالاخره در سال ۱۲۱۱ بعزم زیارت مشهد از کر بلا بکرمانشاهان آمد در کرمانشاهان بدستور آقا محمد علی مجتهد که از علمای کرمانشاهان و نفوذ زیادی داشت او را دستگیر ساخته با موافقت حاجی ابراهیم خان شیرازی وزیر و مصطفی قلیخان زنگنه حاکم کرمانشاهان او را شهید و جنازه اش را بقراسوی کرمانشاهان انداختند مدت ارشاد معصوم علیشاه ۲۲ سال بوده است.

نورعلیشاه نیز که در عراق عرب متواری بود در سال ۱۲۱۲ در م-وصل مسموم گردید. از فضلی آن زمان که بخدمت نورعلیشاه رسیده است یکی ملا عبدالصمد همدانی است که از فحوں علمای آن عصر و مقیم عتبات بود که حاجی میرزا آقاسی صدراعظم ایران از مریدان او بوده و همین حاج میرزا آقاسی مرشد آقا محمد شاه قاجار بود که وقتی بسلطنت رسید مراد خود را مقام صدراعظمی داد. حاجی ملا عبدالصمد همدانی در سال ۱۲۱۶: هنگام حمله و هابیها بکربلا

شربت شهادت نوشید

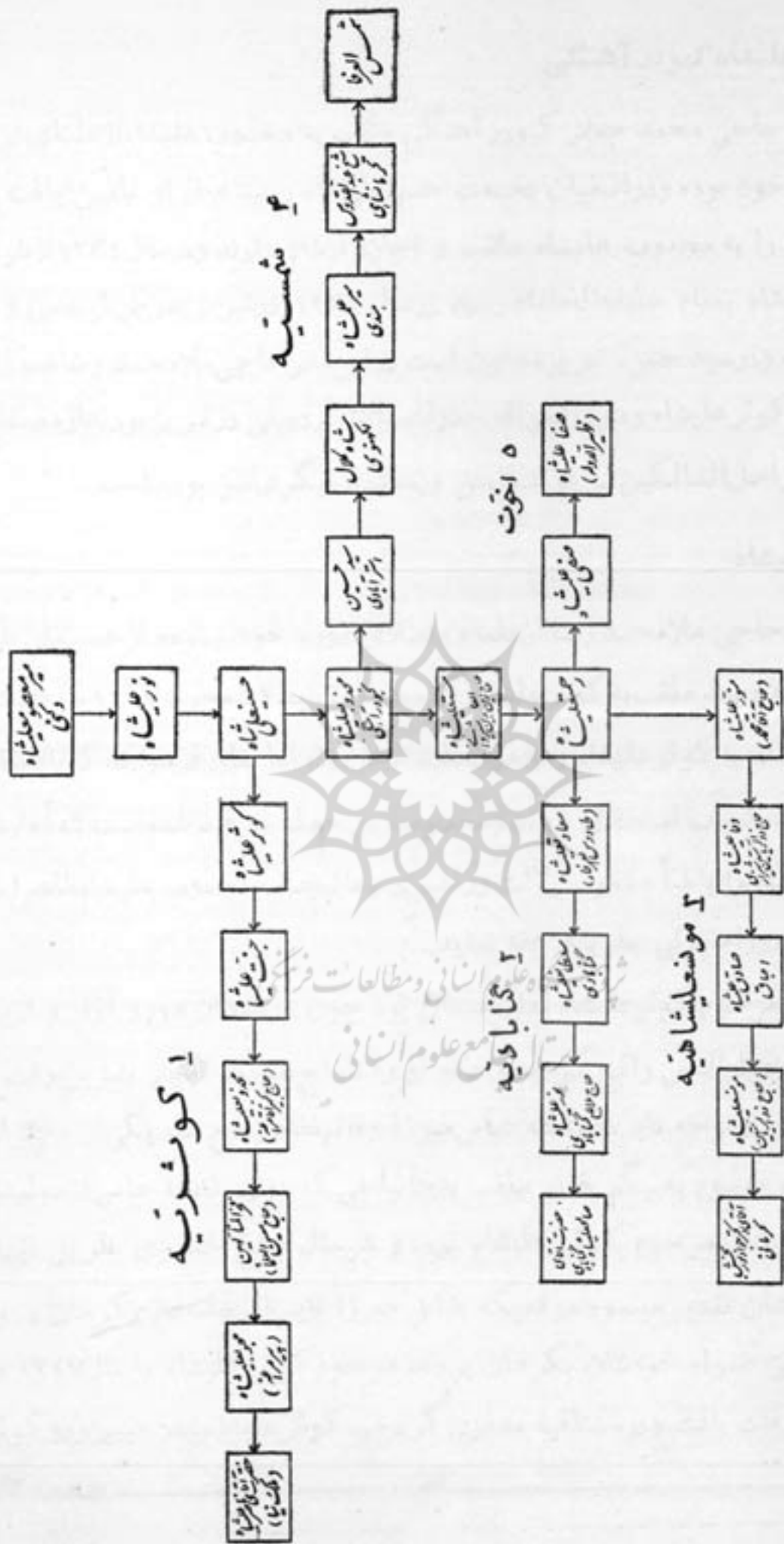
جانشین ملا عبدالصمد همدانی حاجی عباسعلی بناپی بوده که اجازه تلقین و ارشاد داشته و در مراغه وفات یافته مرقدش در مراغه در قبر میر (قبر میر فتح مرآغی) معروفست و بعد از او استاد غفار نجار مدعی جانشینی بوده که در سال ۱۳۰۶ در تهران وفات یافته است.

از خلفای نورعلیشاه یکی دیگر میرزا محمد حسین کرمانی ملقب به رونقعلیشاه بوده که در ۱۲۲۵ در کرمان وفات یافته و در مشتاقیه مدفونست مظفرعلیشاه کرمانی (میرزا محمد تقی) که از اطبای معروف کرمان و در دانش و فضل سرآمد اقران و از دلباختگان مشتاقعلی بوده و دیوان مشتاق را بنام او سروده از تلقین یافتگان همین رونقعلیشاه است که بالاخره در اثر سعایت علمای قشری فتحعلشاه اورا بتهران احضار و بکرمانشاهان تبعید و در آنجا اورا مسموم نمودند که در ۱۲۱۵ وفات یافت مرقدش در بیرون شهر کرمانشاهان واقع است.

حسینعلی شاه

حاجی محمد حسین موسوم بشیخ زین الدین ملقب بحسینعلی شاه از تلقین یافتگان نورعلیشاه بوده در ۱۲۱۲ نورعلیشاه وی را خلیفه الخلفاء نمود بعد از فوت نورعلیشاه وی باصفهان آمد و بارشاد پرداخت و در سال ۱۲۳۴ در کربلا معلی دارفانی را وداع گفت که مقبره اش در دروازه باب النجف در مسجد مرحوم حاجی سید کاظم رشتی واقع است مدت ارشاد و دستگیری ایشان ۲۲ سال بوده است.

سلسله عليه نعمت اللهيه در ايران



۱ کوشریه

۴ شمسیه

۵ اخرت

۲ غنابادیه

۳ موسیاشیه

مجدوبعلیشاه کبودر آهنگی

حاجی محمد جعفر کبودر آهنگی ملقب به مجدوبعلیشاه از علمای طراز اول عهد خود بوده و در اصفهان بخدمت حسینعلی شاه رسید و از او تلقین یافت در ۱۲۰۷ او را به مجدوبعلیشاه ملقب و اجازه ارشاد دادند و در سال ۱۲۳۴ از طرف حسینعلی شاه بمقام خلیفه الخلفاء رسید در سال ۱۲۳۸ در تبریز بمرض اپیدمی و با گذشت و در رسید حمزه تبریز مدفون است در این سفر حاجی ملامحمد رضاهمدانی ملقب به کوثرعلیشاه و میرزا نصرالد صدر الممالک اردبیلی در تبریز بودند از مصنفات ایشان مراحل سالکین - مرات الحق و رسالات دیگری نیز بوده است .

کوثرعلیشاه

حاجی ملامحمد رضا از علماء و فضلاء دوره خود بوده از حسینعلی شاه تلقین یافته و بعد ملقب به کوثرعلیشاه گردیده در تاریخ ۲۲ محرم ۱۲۰۷ نورعلیشاه اجازه ارشاد به کوثرعلیشاه و مجدوبعلیشاه هر دو توأما صادر فرمودند که بالاتفاق مامور ارشاد ارباب استحقاق شوند و مخصوصاً این جمله نیز قید شده است که آقارضا (کوثرعلیشاه) باطناً مشغول دلالت و راهبری و عالیجناب مجدوبعلیشاه ظاهراً در کار هدایت و راهنمایی بطریق حق نماید *پروژه موسسه تحقیقاتی و مطالعاتی فرهنگی*

مرحوم کوثرعلیشاه اهل همدان بود چون در همدان مورد آزار و اذیت قشریون و عوام الناس واقع گردید و خانه او را تاراج نمودند ناچار بتبریز رفت و در آنجا مورد توجه نایب السلطنه عباس میرزا و قائم مقام واقع شد یکی از دختران فتحعلیشاه موسوم به بیگم خانم ملقب به خانباچی که مورد علاقه خاص فتحعلیشاه بود از مریدان مرحوم کوثرعلیشاه بوده و هر سال مبلغ خطیری بطریق نیاز خدمت ایشان تقدیم مینمود موقعیکه عباس میرزا نایب السلطنه عازم کرمان بود ایشانرا نیز همراه خودشان بکرمان بردند مرحوم کوثرعلیشاه در سال ۱۲۴۷ در کرمان وفات یافت و در مشتاقیه مدفون گردید کوثرعلیشاه شعر میسرود و کوثر

تخلص میگرد و از مصنفات او تفسیر در النظم است - محمد شاه که مرید حاجی میرزا آقاسی صدراعظم خود بود و او نیز از مریدان حاجی ملا عبدالصمد همدانی بود عمارتی بر مزار مرحوم کوثرعلیشاه در کرمان بنا نهاد - مرحوم کوثرعلیشاه چهل سال به ارشاد و دستگیری پرداخته است .

جنت علیشاه

حاجی میرزا علی نقی فرزند مرحوم کوثرعلیشاه ملقب به جنت علیشاه پس از فوت پدر جانشین وی گردید و بارشاد مشغول شد و مدت ۴۹ سال در مسند ارشاد بوده است و در سال ۱۲۹۶ در همدان وفات یافت و در بقعه باباطاهر عریان در همدان مدفون گردید ایشان فرزندی داشته بنام حاجی میرزا محمد رضا که از واعظ معروف زمان بوده و در تهران شهرت بسزائی داشته است .

پس از وفات مرحوم جنت علیشاه . آقا تقی خوئی معروف بصمد علیشاه مدعی جانشینی او گردید و دختر آقا رضا فرزند جنت علیشاه را بحباله نکاح خود در آورد و در چالمیدان تهران خانقاهی درست کرد که هر هفته عصر پنجشنبه مجلس روضه در آنجا دایر میگرد و شب جمعه هم نماز بجماعت میخواند و باینتر تیب شهرتی در تهران بهم رسانید .

مجدوب علیشاه

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حاجی میر سلام اله معروف به حاج کبیر آقا و ملقب به مجدوب علیشاه جانشین جنت علیشاه بود و در مراغه سکونت داشته از اعیان و اکابر و اعظام مراغه بوده خوب شعر میسروده دیوانش بنام بحر الاسرار بچاپ رسیده و مجرم تخلص میکرده است - مرحوم رضاقلی میرزا ملقب بمجنون علیشاه از خلفای ایشان بوده که علاوه بر کمالات صوری و معنوی شعر نیز خوب میسروده از مصنفات وی نور الانوار و مرآت العاشقین بچاپ رسیده است .

مرحوم امیر تومان فتح اله خان سردار موید (ظفر الدوله) ملقب بظفر علیشاه که در تهران سکونت داشته یکی دیگر از خلفای حاج کبیر آقا مرحوم بوده

است - مرحوم حاجی کبیر آقا در سال ۱۳۲۴ در مراغه فوت نموده و در آرامگاه خانوادگی مدفون است . ایشان ۲۸ سال بارشاد و دستگیری مشغول بوده است .

فخر المتالیهین

حاجی میرزا عبدالوهاب معین العلماء که از علماء و فضلاء مراغه بوده پس از حاج کبیر آقا بجان نشینی وی بمسند ارشاد و دستگیری تکیه زد از خلفای ایشان مرحوم میرزا علی خان خلوتی ملقب به نصرت علی شاه بوده که در قریه خلوت هشت فرسخی میان دو آب بشغل زراعت اشتغال داشت محضر ایشان را نویسنده درک و از انقباس قدسیه ایشان استفاضه کامل نموده است مشارالیه در سال ۱۳۲۳ شمسی این جهان فانی را بدرود گفت و آتشی بر خرمن دلسوختگان زد .

مزارش در همان ده خلوت زیارتگاه صاحب دلانست .

مرحوم فخر المتالیهین در سال ۱۳۴۲ قمری یا ۱۳۰۲ شمسی در مراغه دارفانی را وداع گفته مقبره ایشان جنب مقبره پیر خود مرحوم حاج کبیر آقا قرار گرفته است . مرحوم فخر المتالیهین ۱۸ سال در مسند ارشاد بوده اند .

محبوب علی شاه

مولانا محمد حسن پیر مراغه ملقب به محبوب علی شاه که پس از مرحوم فخر المتالیهین در مسند ارشاد و قطبیت نشست از اعظام اولیاء و اقطاب است مولد ایشان در حوالی آذر شهر آذربایجان بوده و بوسیله مرحوم حاج کبیر آقا تلقین یافته و در سیر و سلوک بمرحله کمال رسیده بود نویسنده سالها از محضر ایشان درک فیض نموده و مورد لطف و عنایات یاطنی ایشان قرار گرفته است . مرحوم محبوب علی شاه در اواخر عمر خود غالباً در تهران زندگی میفرمودند و در سال ۱۳۳۴ شمسی یازدهم دیماه در سن ۹۶ سالگی دارفانی را وداع گفته در سرامین شهرری در آرامگاه اختصاصی خودشان غنودند تربت ایشان زیارتگاه خاص و عام و منبع فیض صاحب دلان است . حضرت محبوب علی شاه ۳۲ سال در مسند ارشاد و دستگیری بوده اند .

جناب آقا میرزا علی اصغر ملک نیا ملقب به ناصرعلیشاه پس از مرخوم محبوبعلیشاه درمسندارشاد وجانشینی جلوس فرمودند ولادت ایشان درسال ۱۲۹۰ شمسی و اهل آذر شهر تبریزند قبل از تشرف به فقر بشغل تجارت اشتغال داشتند و پس از تشرف به فقر مجذوب و سالها در خدمت پیر خود حضرت محبوبعلیشاه بسیر و سلوک پرداخته و در سفر و حضر از ایشان دوری نمیکردند و علاقه و عشقی که بین این دومی و مراد وجود داشت تا بحال کسی ندیده و نشنیده است . آقای ناصرعلیشاه فعلا در جنب آرامگاه پیر خود اقامت دارند و ارباب استحقاق و طلب از محضر مبارکش درک فیض مینمایند .

در شماره دوم شرح حال سایر اقطاب سلسله علیه نعمت اللہیہ بطور اختصار بنظر خوانندگان خواهد رسید تقاضا دارد اگر اطلاعاتی از تاریخچه زندگانی آنان داشته باشند مرقوم فرمایند و اگر نقیصه یا اشتباهی در این شماره ملاحظه فرمودند بمجله اعلام فرمایند که رفع شود .



از خانم پروین دولت آبادی

خانم پروین دولت آبادی از خانواده فضل و دانش و از نویسندگان و شعرای با ذوق ایران هستند علاوه بر شعر و ادب در امور خیریه و نیکوکاری نیز از بانوان پیشقدم هستند

آشنا با حرف دل گشتم خموشی میکنم
دورهام عریانی جان پرده پوشی میکنم
دور از جان شما با دردمندیهای خود
تا شوم روزی شکیبیا سخت کوشی میکنم
در کف من جام هستی مانده از مستی تهی
عشرت خامان به بین گرباده نوشی میکنم
تا صفائی یابد این صهبای درد آلوده ام
چون شراب مانده در خم گرم جوشی میکنم
دانه درد دلی بر خرمن خود می نمم
شادی اندوزی ز کارغم فروشی میکنم
می برم از یاد نام خویش و چون مستان بجهد
با دگر مستان جدال تیزهوشی میکنم
چون «پری» بیگانه با خود گرم غوغائیم بود
آشنا با حرف دل گشتم خموشی میکنم